

جامعه‌ی دانش‌بر فراگیر

توسعه در معنای فراگیر آن، عبارت است از متوازن ساختن آهنگ حرکت رو به رشد جامعه که در آن هماهنگی سازوکارهای این حرکت با نیروهای عامل از یک انگاره‌ی مترقی معطوف به عمل حکایت دارد. در مفهوم جامعه‌شناختی، جامعه متشکل از اندام‌واره‌هایی (ارگانیسم‌ها) است که عمل هر یک منوط به عمل مطلوب دیگری است و در نهایت، حرکت متوازن (هارمونیک) اندام‌واره‌ها متضمن جریان مستمر توسعه است و استقرار و عینیت‌بخشی (عمل‌گرایی) آن را تثبیت می‌سازد.

در قرن بیست و یکم دوران تجربه‌اندوزی و انباشت دانش به سر آمده و عمده‌ترین ویژگی این قرن تولید علم و دانش، و همزمان تبدیل آن به یک محصول (فن) است. معنای این گزاره آن است که در دوران جدید و به مدد پیشرفت‌های ناشی از فناوری اطلاعات‌رسانی، امکان نگه‌داری و انباشت علم اولاً به لحاظ حجم پیشرفت‌های اجتماعی و انبوهی تولیدات علمی وجود ندارد؛ ثانیاً به یمن پیشرفت‌ها و تحولات گسترده‌ی فناوری‌های موجود، ضرورت نیاز به نگه‌داری (ذخیره) دانش منتفی می‌شود، به عبارت دیگر نیازی به نگه‌داری دانش نیست، زیرا علم باید سریعاً تبدیل به فن شود و پس از آن در پی کشف فنی جدید برآید.

این‌گونه تفسیر از دانش (عدم انباشت دانش در یک نقطه و امکان انتقال آن به سطح جامعه و به عبارتی همگانی کردن استفاده از دانش) به نوعی رویکرد به جامعه‌ی دانش‌بر فراگیر است. جامعه‌ی فراگیر، جامعه‌ی آرمانی قرن بیست و یکم در استفاده‌ی بهینه از دانش که در آن فرایند تولید، جذب، گردش و به‌کارگیری دانش در بالاترین سطح ممکن صورت می‌گیرد. بنابراین، باید توجه داشته باشیم که جامعه‌ی دانش‌بر جامعه‌ی نیست که تنها توانایی تولید دانش را داشته باشد، بلکه جامعه‌ی است که ساختارهای مناسب برای به‌کارگیری مفید دانش را پی افکنده از طریق برنامه‌ریزی هدایت‌شده دانش را در فرایند توسعه به خوبی به کار گیرد.

کشورهای پیشرفته این مفهوم مترقی و روزآمد دانش را پیش‌تر از دیگر جهانیان دریافته به تولید دانش، مدیریت دانش، چگونگی گردش دانش و مقولاتی نظیر آن توجه بیشتری نشان داده‌اند، تا آنجا که در ژاپن

مدرسه‌ی تحت عنوان «مدرسه‌ی علم دانش» زیر نظر مؤسسه‌ی پیشرفته‌ی علم و فن آوری ایجاد شده که به‌طور نظام‌مند به مباحثی چون: «علم دانش اجتماعی»، «فرایندهای تصمیم‌گیری»، «نظام‌های حمایتی خلاقیت»، «نظام‌های فنی-اجتماعی»، «روش خلق دانش»، «ساختار دانش» و... می‌پردازد.

آنچه مراکزی مشابه مدرسه‌ی علم دانش در پی آن هستند، تربیت پیش‌تازانی (آوانگارها) است در عرصه‌ی دانش نوین برای همگامی با جامعه‌ی فراگیر. به عبارتی، هدف این مراکز نوین، آموزش نیروهای انسانی خلاق، خودابتکار و نوآور است که راه‌های به‌کارگیری مطلوب دانش را به خوبی می‌داند و آن را در خدمت پیشرفت جامعه قرار می‌دهد.

مفهوم کلیدی درک جایگاه جامعه‌ی دانش‌بر فراگیر، چگونگی به‌کارگیری ابزارهای اطلاع‌رسانی به‌عنوان بن‌مایه‌ی همگانی ساختن کاربرد دانش و فراگیر ساختن آن و در یک معنا، مشخصه‌ی اصلی جامعه‌ی دانش‌بر فراگیر است. نقشی که ابزارهای ارتباطی همگانی همچون ماهواره، اینترنت، خطوط ارتباط الکترونیکی و... در عصر نوین در جهت اشاعه‌ی دانش انجام می‌دهند به‌نوعی اشاره به مفهوم نوین دانش است. بررسی کشورهایی — همچون کشورهای جنوب شرقی آسیا — که در چند دهه‌ی اخیر به توسعه‌ی مناسب دست یافته‌اند حکایت از آن دارد که این کشورها عمدتاً در زمینه‌های دانش‌بر همچون ارتباطات و اطلاع‌رسانی، سرمایه‌گذاری‌های اساسی انجام داده زیرساخت‌های مهمی برای دستیابی به دانش و به‌کارگیری و فراگیر ساختن آن به وجود آورده‌اند.

از این رو، می‌توان مدعی شد توسعه‌ی درون‌زای متکی بر دانش — به معنای دانش معطوف به عمل — و همگانی ساختن آن در جامعه به همراه فراهم شدن زمینه‌های مناسب برای تزریق و به‌کارگیری نتایج آن در صنایع، مراکز خدماتی و نیز ایجاد آمادگی در مردم برای استفاده از دستاوردها و خدمات دانش‌بر، کلید اساسی درک تحولات جهانی و پیش‌زمینه‌ی ورود به عرصه‌های مشارکت جهانی است.

سردبیر